

COPYRIGHTS

© 2020 by the authors. Licensee National Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

An Analysis of the Reflection of Shiite Identity in Hassan Qomi's Historiography

*Taherah Nazari Ilkhani-Abadi**

E-mail: tahherehnazari@yahoo.com

*Mojtabi Garavand***

E-mail: garavand.m@lu.ac.ir

*Seyyed Alauddin Shahrokhi****

E-mail: shahroki.a@lu.ac.ir

*Dariush Nazari*****

E-mail: nazari.d@lu.ac.ir

Received: 2025/03/02

Revised: 2025/12/13

Accepted: 2025/12/20

Doi: 10.22034/RJNSQ.2025.509285.1673

Abstract

The History of Qom, written by Hassan ibn Muhammad Qomi (died 406 AH), is considered one of the most important historical sources of the Buyid era, playing a pivotal role in reflecting Shiite identity in this period. This research attempts to answer the question of which components reflected Shiite identity the most or the least in the history of Qom? In order to answer this question, the data from the book were extracted and analyzed using the quantitative and qualitative content analysis method based on the Maurice Duverger model, which focuses on extracting themes and frequencies. The findings show that Qomi reflected Shiite Identity in three pivotal components: "common links" (including rituals, beliefs, religious propaganda, and educational institutions), "common land" (with an emphasis on holy places and Shiite geography), and "common intellectual heritage" (in the connection between religion and politics). Among them, the component of "common land" has the highest frequency, while the component of "common intellectual heritage", despite its lower frequency, plays a key role in explaining the political legitimacy of Shiism. The results show that by focusing on the spatial, social, and epistemological dimensions of Shiism and highlighting the position of Qom as a Shiite center, Qomi has transformed historiography in the context of the Buyid era into a tool serving to establish religious-cultural identity. This model can provide a platform for interdisciplinary studies in the field of Shiism historical identity studies.

Keywords: Identity, Hassan ibn Muhammad Qomi, Iran, Shia, History of Qom.

* Ph.D. Student, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

** Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran (Corresponding Author).

*** Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

**** Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

واکاوی بازتاب هویت شیعی در تاریخ‌نگاری حسن قمی

نوع مقاله: پژوهشی

طاهره نظری ایلخانی آبادی*

مجتبی گراوند**

سید علاءالدین شاهرخی***

داریوش نظری****

E-mail: tahherehnazari@yahoo.com

E-mail: garavand.m@lu.ac.ir

E-mail: shahroki.a@lu.ac.ir

E-mail: nazari.d@lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

چکیده

کتاب تاریخ قم تألیف حسن‌بن محمد قمی (درگذشته ۴۰۶ ق)، از مهم‌ترین منابع تاریخی عصر آل‌بویه به‌شمار می‌آید که نقشی محوری در بازتاب هویت شیعی در این دوره ایفا می‌کند. این پژوهش می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که هویت شیعی از رهگذر کدام مؤلفه‌ها در تاریخ قم بیشترین یا کمترین بازتاب را یافته است؟ در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی، براساس الگوی موریس دوورژه که بر استخراج مضامین و بسامدها تمرکز دارد، داده‌های کتاب استخراج و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که قمی هویت شیعی را در سه مؤلفه محوری بازتاب داده است: «پیوندهای مشترک» (شامل آیین‌ها، باورها، تبلیغات مذهبی و نهادهای آموزشی)، «سرزمین مشترک» (با تأکید بر اماکن مقدس و جغرافیای شیعی) و «میراث فکری مشترک» (در پیوند دین و سیاست). در این میان، مؤلفه «سرزمین مشترک» بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است؛ درحالی‌که مؤلفه «میراث فکری مشترک» با وجود فراوانی کمتر، در تبیین مشروعیت سیاسی تشیع نقش کلیدی ایفا می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که قمی با تمرکز بر ابعاد مکانی، اجتماعی و معرفتی تشیع و برجسته‌سازی جایگاه قم به‌عنوان مرکز شیعی، تاریخ‌نگاری را در بستر عصر آل‌بویه به ابزاری در خدمت تثبیت هویت دینی - فرهنگی بدل ساخته است. این الگو می‌تواند بستری برای مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه هویت‌پژوهی تاریخی تشیع فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: هویت، حسن‌بن محمد قمی، ایران، شیعه، تاریخ قم.

- * دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
** دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول).
*** استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
**** دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

حکومت آل‌بویه (۴۴۸-۳۲۰ ق. / ۱۰۵۶-۹۳۳ م.) به‌مثابه یکی از شاخص‌ترین دولت‌های ایرانی و شیعی در تاریخ اسلام، توسط سه برادر از نسل بویه بنیان‌گذاری شد و در دوران عضدالدوله به اوج اقتدار رسید. تسلط آل‌بویه بر بغداد، به‌ویژه در سده چهارم هجری، بستر مناسبی برای گسترش تشیع در حوزه‌های عمومی و سیاسی فراهم ساخت و زمینه‌ساز حمایت گسترده از عالمان شیعه شد. آدام متز این دوره را «رنسانس اسلامی» و نقطه عطفی در پیوند دین، فرهنگ و سیاست می‌داند (ابن طقطقی، ۱۹۹۷: ۲۷۰؛ لین‌پول، ۱۳۶۳: ۱۲۸؛ متز، ۱۳۷۵: ۳۴؛ ترکمنی آذر، ۱۳۸۴: ۱؛ کرمر، ۱۳۷۵: ۳۴).

در فضای فکری و سیاسی متأثر از گفتمان شیعی در عصر آل‌بویه، حسن‌بن محمد قمی شیبانی (درگذشته ۴۰۶ ق.)، محدث و تاریخ‌نگار برجسته‌ی امامی و از شاگردان شیخ صدوق و حسین‌بن علی‌بن بابویه، به نگارش اثر ارزشمند *تاریخ قم* پرداخت. این اثر به زبان عربی و به سفارش وزیر آل‌بویه، صاحب‌بن عباد، در سال ۳۷۸ ق. تدوین شد و افزون بر ثبت داده‌های تاریخی، بازتاب‌دهنده‌ی سیاست‌های شیعی‌گرایانه آن دوران نیز است. تنوع چشمگیر منابع مورداستفاده قمی، از جمله آثار ابن فقیه همدانی، احمدبن محمد برقی، حمزه اصفهانی، سنت‌های شفاهی علویان و اسناد دیوانی، نشان از رویکردی تلفیقی در تثبیت هویت شیعی دارد. در این میان، نقش فعال وزرای آل‌بویه مانند صاحب‌بن عباد و ابن عمید در ترویج تشیع و ارائه الگویی از حکمرانی علوی‌مآبانه که بر عدالت و حمایت از فرودستان استوار بود برجسته است (فقیهی، ۱۳۹۳: ۲۴۳/۶-۲۴۱؛ بروکلان، ۱۹۶۹: ۲۹/۳؛ قمی، ۱۳۶۱: ۱۱، ۱۳، ۱۸۳، ۱۸۸، ۲۳۹).

از منظر سنت تاریخ‌نگاری امامی، *تاریخ قم* اثری ممتاز به‌شمار می‌آید که تا قرن نهم هجری موردتوجه عالمان بود و در سال ۸۰۶ ق. به فارسی ترجمه شد. نسخه عربی آن نیز تا روزگار قاجار در مراکز علمی مانند اصفهان و نجف رواج داشت. این اثر در اصل مشتمل بر ۵۱ باب بوده، اما امروزه تنها پنج باب نخست آن در دسترس است و سه‌بار تصحیح و منتشر شده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۷۸/۳؛ افندی اصفهانی، ۱۴۳۱: ۳۱۹/۱؛ مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۴: ۲۶-۲۷؛ امین، ۱۴۰۳: ۲۴۷/۵؛ قمی، ۱۳۶۱: ۱۹-۱۶، ۶۹-۵۷؛ مشهدی، ۱۳۸۴: ۸۹).

در تحلیل هویت ایرانی و شیعی در عصر آل‌بویه، تمایز نهادن میان هویت دینی و ملی نه‌تنها دشوار، بلکه ناممکن می‌نماید؛ زیرا هویت شیعی، از یک‌سو در بستر تاریخی و فرهنگی ایران شکل گرفته و از سوی دیگر، خود نیز در بازسازی و تقویت همان بستر نقش‌آفرین بوده است (گودرزی، ۱۳۸۴: ۷۷-۷۹؛ اخوانی و محمودی، ۱۳۹۷: ۴۴؛ حسن‌زاده،

۱۳۸۲: ۸۵؛ کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۲؛ از این رو، درک هویت شیعی در آن دوران، مستلزم کاوشی تحلیلی در پیوند تنگاتنگ عناصر دینی و مؤلفه‌های فرهنگی - ملی است. برای تحلیل فرایند هویت‌سازی شیعی در ایران عصر آل‌بویه، نظریه ساخت‌یابی گیدنز چهارچوبی مفهومی و تحلیلی فراهم می‌آورد؛ چهارچوبی که بر دیالکتیک میان عاملیت انسانی و ساختارهای اجتماعی تأکید دارد (گیدنز، ۱۳۷۶: ۵۴). بر پایه مفهوم «دوگانگی ساختار»، گیدنز بر آن است که کنشگران اجتماعی نه تنها تحت تأثیر ساختارها عمل می‌کنند، بلکه از رهگذر کنش‌های بازتابی خود، ساختارها را بازتولید یا دگرگون نیز می‌سازند (گیدنز، ۱۳۹۲: ۳۵). این برداشت از هویت، با نظریه خودانگاره اجتماعی تاجفل نیز هم‌راستا است. تاجفل برای تبیین هویت، سه مؤلفه شناختی (آگاهی از تعلق گروهی)، ارزشی (ارزیابی مثبت یا منفی این تعلق) و عاطفی (احساسات ناشی از عضویت در گروه) را مؤثر می‌داند (تاجفل، ۱۹۷۸: ۶۳). در کنار این رویکردهای جامعه‌شناختی، میرچا الیاده با نگاهی پدیدارشناسانه، بر نقش مکان، به‌ویژه مکان‌های مقدس و بنیان‌گذار سنت دینی، در تثبیت و بازتولید هویت تأکید می‌ورزد. از این منظر، شهر قم به‌عنوان نخستین پایگاه تاریخی تشیع در ایران و کانونی فرهنگی - مذهبی، واجد خصیصه‌های قدسی و هویت‌ساز است (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

در هم‌نشینی این سه چهارچوب نظری، از یک‌سو بر کنش فعال تاریخ‌نگار (گیدنز)، از سوی دیگر بر ابعاد شناختی، ارزشی و عاطفی هویت (تاجفل) و نیز بر پیوند مکان با هویت مذهبی - ملی (الیاده) تأکید می‌شود. بدین‌سان، چشم‌اندازی چندلایه برای فهم بازنمایی هویت شیعی در تاریخ قم فراهم می‌گردد. در این چهارچوب، تاریخ‌نگارانی چون حسن قمی، نه تنها بازتاب‌دهنده روایت‌های ساختارمندی همچون سیاست‌های شیعی آل‌بویه هستند، بلکه از طریق گزینش‌های معنادار، تأکید بر ارزش‌ها و برجسته‌سازی احساس تعلق، در تثبیت هویت شیعی در بستر هویت ایرانی نیز نقش‌آفرینی کرده‌اند. بر این اساس، حسن قمی با کنشی فعال، بازتاب‌دهنده هویت شیعی در درون هویت ملی ایرانی بوده است؛ هویتی که در تقاطع جغرافیا، فرهنگ و باورهای دینی شکل گرفته و در تعامل با تحولات سیاسی و اجتماعی پیوسته بازتعریف شده است. این پژوهش، با تمرکز بر تحلیل مؤلفه‌های هویت شیعی در تاریخ قم، به بررسی این پرسش می‌پردازد که کدام شاخص‌های هویتی بیشترین یا کمترین بازتاب را در این اثر یافته‌اند؟ در نتیجه، بازتاب بینش هویت‌گرایانه در تاریخ‌نگاری قمی و نقش او در تبیین هویت شیعی ایرانیان در کانون توجه قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

این پژوهش با رویکردی نو به بررسی بازتاب هویت شیعی در تاریخ قم می‌پردازد؛ موضوعی که در پژوهش‌های پیشین کمتر به صورت مستقیم مورد توجه قرار گرفته است. نوآوری تحقیق در دو سطح روش و محتوا قابل ملاحظه است:

از نظر روش شناختی، بهره‌گیری از تحلیل محتوای کمی برای مقایسه‌ی شاخص‌های هویتی، رویکردی متمایز در مطالعه‌ی تاریخ‌نگاری شیعی به‌شمار می‌رود و از حیث محتوایی، تحلیل کیفی در چهارچوب نظریه‌ی ساخت‌یابی گیدنز، با تأکید بر ابعاد شناختی، ارزشی و عاطفی هویت (تاجفل) و پیوند مکان با هویت مذهبی - ملی (الیاده)، نقش فعال حسن قمی را در بازتولید هویت شیعی در بسترهای سیاسی، اجتماعی و مکانی برجسته می‌سازد. همچنین، با تکیه بر پیوند میان اماکن مقدس، نمادهای تاریخی و هویت دینی - ملی، نقش تاریخ‌نگاری در تثبیت هویت جمعی آشکار شده و الگویی برای مطالعات آتی ارائه می‌شود. برخی پژوهش‌های مرتبط عبارت‌اند از:

پروانه (۱۳۹۹) در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «بررسی و مقایسه مؤلفه‌های هویت شیعه در منابع تاریخی دوران آل‌بویه و فاطمیان مصر»، هویت شیعه را در شش شاخصه شامل مفاهیم، اماکن، مناسک، اماکن، شخصیت‌ها و نمادها، بر پایه منابع تاریخی از جمله تاریخ قم بررسی کرده است. در مقابل، این پژوهش با رویکردی تطبیقی و مفهومی، هویت شیعی را در سه مقیاس مشترک تحلیل می‌کند.

مشهدی (۱۳۸۴) در مقاله «جغرافیای تاریخی منطقه کاشان در تاریخ قم» فقط به توصیف و تأثیر این شهر پرداخته است. از آنجاکه کاشان در آن دوران مهم‌ترین و بزرگ‌ترین رستاق از کوره قم بوده، تاریخ قم اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ و جغرافیای این منطقه ارائه می‌دهد؛ هرچند این اطلاعات فقط برای شناخت کاشان مفید است.

لمبتون (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «شرح و گزارشی از تاریخ قم» (ترجمه نصرالله صالحی)، تاریخ قم را از کهن‌ترین و ارزشمندترین تواریخ محلی ایران می‌داند و بر لزوم توجه جدی به این اثر تأکید می‌کند.

بیاتی و رجبی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «جغرافیای تاریخی قم با تکیه بر کتاب تاریخ قم»، از منظر جغرافیای تاریخی به تاریخ قم پرداخته‌اند.

مقدم للکلو (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود با عنوان «عناصر زرتشتی و فرهنگی ایران در تاریخ قم»، با تمرکز بر جنبه‌های فرهنگی و زرتشتی، تاریخ قم را نشانه‌ای از قدمت و قداست این شهر، به‌ویژه در دوره‌های اشکانی و ساسانی دانسته و آن را صرفاً از منظر تاریخ باستان بررسی کرده است.

روش‌شناسی تحقیق

بررسی مفاهیم و شاخص‌های هویت شیعی در تاریخ قم، پژوهشگر را با انبوهی از داده‌های مرتبط با مسائل هویتی مواجه می‌سازد؛ چراکه مؤلف این اثر، به‌کرات به موضوعات مرتبط با هویت مذهبی و فرهنگی تشیع پرداخته است. به‌منظور استخراج نظام‌مند این مفاهیم، در این پژوهش از روش «تحلیل محتوای ترکیبی» - متشکل از دو سطح کمی و کیفی - بهره گرفته شده است. این روش، با تلفیق سنجش بسامد گزاره‌ها و تحلیل معنایی آن‌ها، امکان استخراج دقیق‌تر و تفسیر عمیق‌تری از مؤلفه‌های هویتی فراهم می‌آورد. در مرحله نخست، به کمک تحلیل محتوای کمی، کلیه گزاره‌های مرتبط با شاخص‌های هویت شیعی استخراج، شمارش و طبقه‌بندی شدند. سپس، داده‌های گردآوری شده در چهارچوب نظریه‌ی ساخت‌یابی گیدنز، ابعاد شناختی، ارزشی و عاطفی هویت (تاجفل) و نیز بر پیوند مکان با هویت مذهبی - ملی (الیاده) در قالب سه مؤلفه‌ی نظری زیر تحلیل گردیدند:

- پیوندهای مشترک: شامل آیین‌های دینی، باورهای مذهبی، تبلیغات آیینی و نهادهای آموزشی.
- سرزمین مشترک: با تأکید بر مکان‌های مقدس، جغرافیای تشیع و پیوندهای تاریخی مهاجرت شیعیان.
- میراث فکری مشترک: مبتنی بر تعامل سه‌گانه‌ی دین، سیاست و اخلاق در سنت فکری امامیه.

این سه مؤلفه، چهارچوب مفهومی تحلیل کیفی داده‌ها را تشکیل دادند و سامان‌بخش تفسیر مضامین هویتی استخراج‌شده از متن تاریخ قم شدند. تحلیل آماری داده‌ها نیز با اتکا بر فراوانی مفاهیم در جدول‌ها و نمودارهای مقایسه‌ای صورت پذیرفت. در این پژوهش، از «تحلیل محتوای کمی» برای شناسایی و سنجش بسامد مؤلفه‌ها و از «تحلیل محتوای مضمونی» با رویکرد کیفی موریس دوورژه برای تفسیر و تبیین ساختار مفهومی آن‌ها استفاده شده است. تحلیل محتوا، روشی نظام‌مند برای شناسایی، طبقه‌بندی، تفسیر و استخراج پیام‌ها و مفاهیم نهفته در متون نوشتاری و رسانه‌ای است که به دو شیوه‌ی کمی و کیفی قابل اجراست. در تحلیل کمی، محتوای آشکار به‌صورت عددی و عینی موردبررسی قرار می‌گیرد؛ درحالی‌که در تحلیل کیفی، تمرکز بر تفسیر معانی ضمنی، مفاهیم تأویلی و تجربه‌های اجتماعی و فرهنگی نهفته در متن است (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۵؛ سرمد و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۵؛ محمدی‌مهر، ۱۳۹۸: ۹).

بدین ترتیب، تاریخ قم به‌مثابه متنی هدفمند، مورد تحلیل قرار گرفت و مؤلفه‌های هویت شیعی با رویکردی استقرایی شناسایی و شمارش شدند. یافته‌ها در قالب



جدول‌های آماری و نمودارهای مقایسه‌ای تنظیم و تحلیل گردیدند و درنهایت، با استناد به چهارچوب نظری گیدنز، تفسیر کیفی آن‌ها ارائه شد.

یافته‌های پژوهش

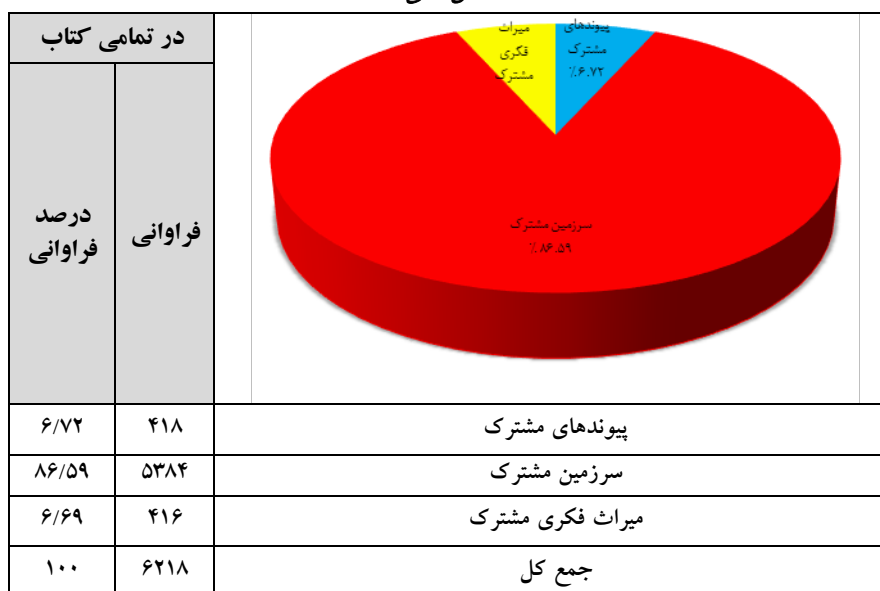
جدول شماره ۱. فراوانی مؤلفه‌ها و مفاهیم (هویت شیعی) در محتوای کتاب تاریخ قم (حسن قمی)

درصد	فراوانی	مؤلفه‌ها و مفاهیم (نمادها)	
۰/۱۳	۸	امامت	تجزیه‌های مشترک
۰/۰۸	۵	ولایت	
۰/۰۶	۴	مهدویت	
۴/۴۱	۲۷۴	چهارده معصوم (ع)	
۰/۷۷	۴۸	زیارت	
۰/۰۶	۴	تاسوعا و عاشورا	
۰/۰۳	۲	عید قربان	
۰/۰۳	۲	غدیرخم	
۰/۰۶	۴	امر به معروف و نهی از منکر	
۰/۱۶	۱۰	ولادت و شهادت ائمه (ع)	
۰/۱۰	۶	جهاد، انتظار، حج، تقیه	
۰/۰۳	۲	اربعین	
۰/۰۵	۳	نیمه شعبان	
۰/۰۵	۳	محرم	
۰/۳۵	۲۲	قرآن مجید	
۰/۰۸	۵	احادیث شیعی	
۰/۰۳	۲	کتب اربعه	
۰/۲۳	۱۴	وصیت	
۵/۰۳	۳۱۳	کوفه	سرزمین مشترک
۷۴/۰۸	۴۶۰۶	قم	
۰/۱۳	۸	قیام‌های شیعی	



۲/۹۹	۱۸۶	اشعریان	
۰/۳۲	۲۰	حرم	
۰/۵۱	۳۲	امامزاده‌ها	
۰/۰۵	۳	مقبره و بارگاه امامان شیعه	
۰/۲۱	۱۳	محلله‌های شیعه‌نشین	
۰/۹۲	۵۷	شهرهای شیعه	
۰/۱۹	۱۲	وکلاهی شیعه	
۰/۰۳	۲	نواب اربعه	
۰/۱۴	۹	دانشمندان شیعی	
۰/۱۸	۱۱	محدثان شیعی	
۰/۱۹	۱۲	رجال شیعی	
۱/۶۱	۱۰۰	نقیب (سادات)	
۰/۲۱	۱۳	عدالت	
۰/۲۳	۱۴	رعیت	
۱/۳۳	۸۳	وزیر	
۱/۵۴	۹۶	حاکم	
۰/۸۸	۵۵	حکومت	
۰/۲۳	۱۴	وقف	
۰/۳۲	۲۰	فقها	
۰/۳۱	۱۹	زکات	
۰/۹۲	۵۷	خمس	
۰/۳۹	۲۴	مزارعه	
۰/۳۴	۲۱	صدقه	
۱۰۰	۶۲۱۸	جمع کل	

جدول شماره ۲. نمودار دایره‌ای فراوانی مؤلفه‌ها و مفاهیم (هویت شیعی) در محتوای کتاب تاریخ قم (حسن قمی)



تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها

میزان توجه به مفاهیم و شاخص‌های هویت شیعی در کتاب تاریخ قم (اثر حسن بن محمد قمی) بر پایه‌ی داده‌های جدول‌ها، به شرح زیر قابل تحلیل است:

در شاخصه‌ی دوم، یعنی «سرزمین مشترک»، بیشترین فراوانی مفاهیم بر محورهای هم‌چون قم (۴۶۰۶ مورد با فراوانی ۷۴/۰۸)، کوفه (۳۱۳ مورد با فراوانی ۵/۰۳)، اشعریان (۱۸۶ مورد با فراوانی ۲/۹۹)، شهرهای شیعه (۵۷ مورد با فراوانی ۰/۹۲) و امام‌زادگان (۳۲ مورد با فراوانی ۰/۵۱) متمرکز بوده است.

در شاخصه‌ی اول، یعنی «پیوندهای مشترک»، بیشترین تأکید بر مفاهیمی نظیر چهارده معصوم (۲۷۴ مورد با فراوانی ۴/۴۱)، زیارت (۴۸ مورد با فراوانی ۰/۷۷) و قرآن مجید (۲۲ مورد با فراوانی ۰/۳۵) دیده می‌شود.

در مقابل، کمترین میزان توجه در میان سه شاخص، به شاخصه‌ی «میراث فکری مشترک» اختصاص یافته که در آن مفاهیمی مانند حاکم (۹۶ مورد با فراوانی ۱/۵۴)، وزیر (۸۳ مورد با فراوانی ۱/۳۳)، خمس (۵۷ مورد با فراوانی ۰/۹۲) و حکومت (۵۵ مورد با فراوانی ۰/۸۸) محور قرار گرفته‌اند.

تفسیر و ارزیابی کیفی داده‌ها

مفاهیم و شاخصه‌های هویت شیعی با تلفیق پربسامدترین مفاهیم و همچنین، مضامین کم‌تکرار، در قالب سه محور اصلی تحلیل شده‌اند؛ رویکردی که بیانگر نگرشی نوین در عرصه تحلیل محتوا است. بر همین اساس، تفسیر کیفی داده‌های پژوهش نیز انجام گرفته است. بررسی محتوایی تاریخ قم از منظر حسن قمی، به صورت مشخص و با رویکردی کیفی و تحلیلی، در سه شاخص «پیوندهای مشترک»، «سرزمین مشترک» و «میراث فکری مشترک» دسته‌بندی شده است که در ادامه به تحلیل آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱- پیوندهای مشترک

هویت شیعیان امامیه بر پیوندهای مشترکی استوار است که می‌توان آن را با عنوان خودانگاره، یعنی درکی که امامیه از خویش‌نشدن دارد، توصیف کرد. این خودانگاره از عضویت در یک گروه اجتماعی حاصل می‌شود (تاجفل، ۱۳۷۸: ۶۳؛ ترنر و اوکس، ۱۹۸۶: ۲۳۷) و مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، شیوه‌های تبلیغی و نهادهای آموزشی را دربر می‌گیرد که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۱- باورها

باورها و اعتقادات شیعی در تاریخ قم بازتابی از هویت مذهبی این شهر به‌شمار می‌آید. مؤلف تاریخ قم، پیروان امامیه را تابع اصول بنیادین تشیع معرفی می‌کند که شامل ولایت، امامت، مهدویت، غیبت، امر به معروف و نهی از منکر، عدل، تقیه، حج، جهاد، خمس و زکات است. وی در کنار این مبانی، به نمادها و مظاهر شیعی همچون امامان معصوم (ع)، ایام محرم، تاسوعا و عاشورا و اعیاد قربان، غدیر و نیمه‌شعبان نیز توجهی ویژه دارد (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸۸، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۹۶-۱۹۱، ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۸۵، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۱۶، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۰۵، ۲۰۴). مؤلف تاریخ قم با استناد به روایات، ولایت امام علی (ع) را عاملی وحدت‌بخش در هویت شیعی می‌داند؛ چنان‌که از پیامبر اسلام (ص) نقل می‌کند که ولایت آن حضرت بر آسمان‌ها و زمین حاکم است. او شهرهایی مانند مدینه، کوفه و قم را به وجود و حضور امامان (ع) وابسته می‌داند و در ادامه، روایات ایشان درباره‌ی قم را نقل می‌کند؛ از جمله روایت امام صادق (ع) که بر ظهور علم و دانش در این شهر تأکید دارد (قمی، ۱۳۶۱: ۹۶). همچنین، وی به مسئله‌ی مهدویت پرداخته و انتظار امت پیامبر (ص) برای ظهور موعود نهایی را یادآور می‌شود (قمی، ۱۳۶۱: ۹۷، ۹۹). مؤلف در توصیف هویت شیعی قم، به روایت عبدالعظیم حسنی استناد می‌کند که قم را آشیانه‌ی آل محمد (ع) می‌خواند و می‌گوید: «بر شما باد که در قم سکونت کنید؛ زیرا قم مأوای فاطمیان و محل آرامش

مؤمنان است» (قمی، ۱۳۶۱: ۹۸). چنین توصیفاتی بیانگر جایگاه ممتاز شهر قم در هویت دینی و اجتماعی شیعیان و نقش آن در پاسداری و گسترش آموزه‌های اهل‌بیت (ع) است.

۱-۲- آیین‌ها

زیارت، عزاداری و دیگر آیین‌های مذهبی در اندیشه‌ی مؤلف تاریخ‌قم، بازتابی روشن از هویت شیعی این شهر به‌شمار می‌آیند. زیارت حضرت معصومه (ع) به‌عنوان یکی از اعتقادات برجسته‌ی شیعی، جایگاهی ممتاز در این اثر دارد. مؤلف، با استناد به حدیثی منسوب به امام (ع)، می‌نویسد: «... بدانید که زود باشد که به شهر قم زنی را از فرزندان من، فاطمه‌نام، دفن کنند و هر کس که زیارت او دریابد، به بهشت رود و بهشت بر او واجب شود...» (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۵). همچنین، نقش زنان در توسعه و ترویج بارگاه حضرت معصومه (ع) و دیگر امام‌زادگان مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که از زینب، دختر محمدبن علی‌الرضا یاد می‌شود که گنبدی بر مزار حضرت معصومه (ع) بنا نهاد (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۳). توصیف قم به‌عنوان مکانی زیارتی و توجه به بقاع متبرکه‌ی آن، در شکل‌گیری هویت آیینی شیعه نقشی تعیین‌کننده دارد. در روایات امامان (ع)، این شهر با تعابیری چون «کوفه‌ی کوچک»، «معدن آل‌محمد (ع)» و «پناهگاه فاطمیون» معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۱/۶، ۲۱۶؛ ابن فقیه، ۱۳۰۲: ۵۳۱). نام قم، به‌ویژه در ارتباط با حضرت زهرا (ع)، بار معنایی خاصی دارد؛ چراکه این شهر محل سکونت خاندان پیامبر (ص) و مهاجرت‌های آل‌ابی‌طالب و حضرت معصومه (ع) در آغاز قرن سوم هجری بوده است (ابن فقیه، ۱۳۰۲: ۵۳۱). در کنار بقاع متبرکه، مساجد نیز نقشی کلیدی در تقویت هویت شیعی قم ایفا کرده‌اند. مسجد جمکران، به روایت مؤلف تاریخ‌قم، در قریه‌ی جمکران تأسیس شده و از نخستین مراکز عبادی این منطقه به‌شمار می‌رود (قمی، ۱۳۶۱: ۳۷).

دیگر مساجد مهم قم شامل مسجد ابوالصدیم، مسجد عتیق و مسجد سعدآبادی هستند. مسجد سعدآبادی که محل اقامت و عبادت حضرت معصومه (ع) بوده، به‌گونه‌ای توصیف شده که آثار محراب عبادت ایشان تا زمان نگارش کتاب باقی بوده است (قمی، ۱۳۶۱: ۳۷، ۳۸، ۲۱۴). عزاداری برای اهل‌بیت (ع) نیز از دیگر مناسک شاخص شیعه است که در مقاطع مختلف تاریخی با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. در دوره‌ی آل‌بویه، این آیین با پشتیبانی سیاسی حکومت، شکلی رسمی و گسترده به خود گرفت. در مقابل، پیش از آن، فشار خلفای عباسی مانع از برگزاری عمومی سوگواری می‌شد. عاشورا به‌عنوان مهم‌ترین آیین عزاداری شیعه، در دوره‌ی آل‌بویه و به‌ویژه در زمان معزالدوله مورد توجه قرار گرفت. قمی، از شهادت امام حسین (ع) با تعبیر «امام شهید مظلوم

حسین بن علی (ع) یاد می‌کند و حضرت ابوالفضل (ع) را با عنوان «ولد السقاء» معرفی می‌نماید (قمی، ۱۳۶۱: ۱۹۵). سایر مناسک شیعی نظیر روزه‌ی رمضان، زکات فطر، ولادت و شهادت امامان (ع)، احرام حج، اذان شیعی، نماز جمعه، عید غدیر و عید قربان نیز در تاریخ قم بازتاب یافته‌اند. مؤلف، شهادت امامان را همراه با لعن و برائت از دشمنان اهل بیت (ع) ذکر می‌کند و از تعابیری چون «ملاعین» و «مخاذیل» بهره می‌گیرد (قمی، ۱۳۶۱: ۲۸، ۲۹۵، ۱۹۵، ۲۰۶، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۷۶). این بازتاب‌ها نشان‌دهنده‌ی نقش بنیادین آیین‌ها در تقویت هویت مذهبی و آیینی شهر قم در دوره‌ی نگارش اثر است.

۳-۱- تبلیغات

تبلیغ آموزه‌های شیعی و دفاع از جایگاه امام در اندیشه مؤلف تاریخ قم، نقشی بنیادین در تبیین هویت شیعی ایفا می‌کند. یکی از جلوه‌های برجسته این هویت، عزم راسخ شیعیان در حمایت از امام و ترویج آموزه‌های او است. هجرت، به‌عنوان ابزاری مؤثر در گسترش تشیع، در اثر موردتوجه قرار گرفته است. نمونه‌ای بارز از این امر، هجرت حضرت معصومه (ع) از مدینه به قم است؛ اقدامی تبلیغی که به تقویت جایگاه تشیع امامی انجامید. روایت مؤلف تاریخ قم درباره بیماری حضرت معصومه (ع) در مسیر هجرت، می‌تواند بازتاب رویکرد محافظه‌کارانه اشعریان باشد؛ زیرا احتمال برخورد نظامی در این مسیر وجود داشت. این راه، که حتی امام رضا (ع) نیز از عبور از آن نهی شده بود، مسیر ممنوعی تلقی می‌شد و حرکت کاروان حضرت معصومه (ع) به معنای گریز از مدینه و پناه‌جویی در قم تعبیر می‌شد. از آن زمان، قم به پناهگاه و مأمن علویان، طالبیان و وکلای ائمه (ع) بدل شد و مهاجرت حضرت معصومه (ع) آغازی بر فصل نوینی در تاریخ مذهبی این شهر بود (قمی، ۱۳۶۱: ۲۳۲).

در میان ابزارهای تبلیغی شیعه امامی، منصب نقابت جایگاهی کلیدی داشت. این منصب، مدیریت اجتماعی سادات و علویان را در جامعه شیعی بر عهده می‌گرفت و هدف اصلی آن، حمایت از حقوق سادات و نظارت بر امور آنان بود (ذبیح‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۴/۱). یکی از جلوه‌های این منصب در قرن چهارم هجری، منقبت‌خوانی بود؛ وظیفه‌ای که نقیبان برای تبلیغ فضایل امامان (ع) در محافل عمومی بر عهده داشتند. مؤلف تاریخ قم به نقش ابوالقاسم احمد علوی و نوادگان موسی مبرقع، که موردتوجه معزالدوله و احترام سادات عراق و حجاز بودند و نیز به سادات شجریه به‌عنوان چهره‌های برجسته این منصب اشاره دارد (قمی، ۱۳۶۱: ۲۳۲). در این دوره، منقبت‌خوانان با سرودن قصایدی در مدح حضرت علی (ع) و سایر امامان (ع)، به تبلیغ آموزه‌های شیعی در بازارها و

محلها می‌پرداختند. مردم نیز با حلقه زدن گرد آنان، از ایشان در برابر هجوم مخالفان محافظت می‌کردند؛ باین حال، برخی سلاطین متعصب، برخوردهای سختی با آنان داشتند و در برخی منابع، به قطع زبان برخی منقبت‌خوانان اشاره شده است (قزوینی، ۱۳۵۸: ۷۶). مؤلف تاریخ قم همچنین در بررسی جایگاه نقابت، به سادات شجریه و دیه شجره اشاره می‌کند؛ محلی که پیامبر (ص) آن را به‌عنوان میقاتگاه حاجیان برای انجام مناسک حج تعیین کرده بود (قمی، ۱۳۶۱: ۲۳۲). این مکان که امروزه به مسجد المقات شناخته می‌شود، همچنان جایگاهی مقدس در آیین‌های حج دارد و استمرار حضور آن در تاریخ، گواهی بر پیوند هویت شیعی با اماکن مقدس و مفاهیم دینی است.

۴-۱- نهادهای آموزشی

قم، به‌عنوان یکی از بوم‌شهرهای مهم تشیع، در تثبیت و تکوین هویت شیعی نقشی اساسی ایفا کرده است. نهادهای آموزشی آن، همچون مسجد عتیق، مسجد جامع و مسجد جمکران، به‌منزله کانون‌های علمی و مذهبی، بستری برای پرورش اندیشه شیعی فراهم ساختند. مدرسه قم که به‌دست خاندان اشعری بنیان‌گذاری شد، با جذب دانشوران شیعی از شهرهای گوناگون، شبکه‌ای علمی و حدیثی را پایه‌گذاری کرد. ویژگی برجسته این مدرسه، انسجام و یکپارچگی تعالیم امامیه بود که در گسترش باورهای شیعی نقشی تعیین‌کننده داشت (قمی، ۱۳۶۱: ۲۴۰).

درعین حال، نکته‌ی قابل‌تأمل آن است که اطلاعات دقیق و مستندی درباره چگونگی تأسیس نخستین محافل دینی قم در دست نیست. مؤلف تاریخ قم در بخش‌های شانزدهم تا هجدهم کتاب، براساس فهرست مطالب، قصد داشته سه گروه از اهل خرد و دانش را به‌تفصیل معرفی کند؛ اما این بخش‌ها اکنون در دسترس نیست. از میان این گروه‌ها می‌توان به محققان، محدثان، شعرا و ادبا، فیلسوفان، مهندسان، منجمان، کاتبان و صحافان اشاره کرد (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸). خاندان اشعری در این روند جایگاهی ممتاز داشته‌اند. آنان از سده دوم تا اوایل سده چهارم هجری قمری، در عرصه دانش حدیث و علوم اسلامی از مرجعیت علمی برخوردار بودند و شعاع نفوذ آن‌ها از مرزهای ایران فراتر رفت و تا عراق امتداد یافت؛ اما با تحول در ساختارهای سیاسی و اجتماعی و کاهش نقش عنصر عرب در تمدن اسلامی، محدثان و علمای ایرانی در جایگاه جایگزین آن‌ها قرار گرفتند. در این میان، چهره‌هایی چون محمدبن علی العطار (که ابن‌العمید وی را برتر از رودکی و امرؤالقیس زمان خود دانسته)، صاحب‌بن عباد، وزیر و ادیب نامدار، زکریا اشعری قمی، ابوجریر قمی، از خاندان اشعری، احمدبن محمد برقی، دانشمند و محدث برجسته،

هشام بن سائب کلبی، و علی بن جعفر عریضی، فاضل‌ترین فرزند امام صادق (ع)، جایگاهی ممتاز در تاریخ علمی و حدیثی تشیع یافتند (قمی، ۱۳۶۱: ۱۹۸، ۲۳۳، ۲۱۳). هرچند شواهد مستقیمی درباره تأسیس اولیه محافل دینی قم در دست نیست، وجود مدرسی با حلقه‌های مناظره و آموزش حدیث نشان می‌دهد که این شهر به تدریج به یکی از قطب‌های اندیشه‌ورزی امامیه تبدیل شد. این محافل نه تنها در تداوم باورهای شیعی مؤثر بودند، بلکه در شکل‌گیری ساختارهای هویتی شیعه نیز نقشی کلیدی داشتند. مقبره شیخان، که پس از وادی السلام نجف دومین قبرستان تاریخی اسلام به‌شمار می‌رود، نمادی از استمرار سنت علمی و مذهبی قم است. آرامگاه بیش از ششصد تن از علما و فقهای شیعه در این مکان، گواهی بر جایگاه رفیع علمی این شهر در تاریخ تشیع دارد (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸). در مجموع، قم را باید به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مراکز تولید و بازتولید دانش دینی و حدیثی دانست که در فرایند ساخت‌یابی هویت شیعی، نقشی بنیادین و ماندگار ایفا کرده است.

۲- سرزمین مشترک

در نظریه ساخت‌یابی گیدنز، هویت اجتماعی از تعامل با محیط اجتماعی و جغرافیایی شکل می‌گیرد. ایران، به‌عنوان سرزمینی با تاریخ مشترک در اسلام و تشیع، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت شیعی داشته است (کراوولسکی، ۱۳۷۸: ۳). پس از حملات اعراب و پیوستن به دارالاسلام، این سرزمین در انتقال تشیع و فرایندهای تاریخی و فرهنگی نقش کلیدی ایفا کرده است. مهاجرت‌های اشعریان و طالبیان از کوفه به قم، که به‌عنوان «کوفه کوچک» شناخته می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۶/۶، ۲۱۱؛ ابن فقیه، ۱۳۰۲: ۵۳۱)، نمونه‌ای بارز از پیوند مرزهای جغرافیایی با هویت شیعی است. این گروه‌ها شامل علما، اندیشمندان و مورخان بودند که پیوند مستحکمی میان ایران و شهرهایی مانند کوفه و حیره ایجاد کردند. حیره، که زمانی بخشی از ایران بود، از نظر فرهنگی و جغرافیایی، نزدیکی با ایران داشت و این پیوندها از طریق حرکت‌های فرهنگی و علمی به سرزمین‌های شیعی ایران منتقل شد. براساس نظریه گیدنز، ایران به‌عنوان مرزی جغرافیایی و فرهنگی، هویت شیعی را از طریق مهاجرت، تبادلات فرهنگی و همکاری‌های علمی تقویت کرده است. بدین ترتیب، ایران به‌عنوان یک «بوم‌شهر» در تاریخ تشیع و در پیوند مرزها و هویت‌های گوناگون نقش مهمی ایفا کرده است.

۲-۱- بوم شهر کوفه

براساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز، هویت اجتماعی از تعاملات مداوم افراد با محیط اجتماعی‌شان شکل می‌گیرد. در این چهارچوب، بوم‌شهر کوفه و ارتباط آن با بوم‌شهر قم

نمونه‌ای از این فرایند است که نشان می‌دهد چگونه هویت شیعی از طریق شبکه‌ای از مکان‌ها و تعاملات فرهنگی و اجتماعی ساخته می‌شود. کوفه، با موقعیت جغرافیایی خاص خود در مرز میان دو فرهنگ اسلامی و زرتشتی، نقش بی‌بدیلی در انتقال فرهنگ‌ها و عقاید به ایران داشت. در دوران ورود اسلام، کوفه به‌عنوان شهری در مسیر انتقال تشیع از شبه‌جزیره به ایران، تأثیر بسزایی در گرایش ایرانیان به تشیع داشت. این تأثیر به‌ویژه در انتقال دستاوردهای فرهنگی و دینی از کوفه به قم، یکی از شهرهای شیعه‌نشین ایران، نمایان است (رجبی، ۱۳۶۵: ۱۰؛ جعفریان، ۱۳۷۷: ۲۷۵). این پیوستگی از طریق نقل‌قول‌ها و روایاتی مانند گفته امام علی (ع) درباره کوفه نیز برجسته می‌شود (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۴۰/۳: ۱۹۸). در همین زمینه، درخواست برقی، نویسنده کتاب *المحاسن*، از مورخ کوفی، تقفی، برای سفر به قم، اهمیت قم را در تقویت و انتقال عقاید شیعی به دیگر نقاط ایران نشان می‌دهد (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۷؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۷، ۱۹۴؛ قمی، ۱۳۶۱: ۱۲، ۱۶، ۲۶۴-۲۶۰؛ تقفی کوفی، ۱۳۹۵: ۱۹۱/۱؛ ۴۱۲/۲: ۴۴۴). این شبکه انتقال فرهنگی و اعتقادی از کوفه به قم، پایه ساخت هویت شیعی در این مناطق را تشکیل داد. همچنین، حرکت‌های اعتراضی و قیام‌های شیعی مانند قیام مختار علیه سلطنت موروئی اموی و قیام عاشورا، نمونه‌هایی از ساخت‌یابی هویت شیعی هستند که به‌طور مستقیم به کوفه و ارتباط آن با بوم‌شهرهای شیعی ایران مربوط‌اند. این تحرکات نهایتاً به شکل‌گیری هویت شیعی در مناطق مختلف، از جمله قم انجامید (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۷: ۵۰)؛ بنابراین، بوم‌شهر کوفه با ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی‌اش، به‌عنوان پلی میان فرهنگ‌ها و مرکز انتقال هویت شیعی به ایران عمل کرده و نقش کلیدی در ساخت‌یابی هویت شیعی ایفا کرده است.

۲-۲- بوم شهر قم، نظم اجتماعی و نخبگان شیعی

ساخت‌یابی هویت شیعی در قم، بر پایه‌ی نظریه‌ی گیدنز و با تأکید بر نقش مکان مذهبی (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۹۸) قابل تحلیل است؛ تحلیلی که بر تعاملات فرد با محیط اجتماعی تأکید دارد. در قم و ری، هویت شیعی از طریق شبکه‌ای از مراجع علمی، مذهبی و سیاسی شکل گرفت و تقویت شد. تاریخ قم به دوران ساسانیان بازمی‌گردد و این شهر به‌عنوان ناحیه‌ای با ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی خاص شناخته می‌شد (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۸۰؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۷۸؛ یعقوبی، ۱۹۶۰: ۱۴۲/۱؛ مقدسی، ۱۴۱۱: ۵۸۴/۲؛ ابن فقیه، ۱۳۰۲: ۲۴۷؛ قمی، ۱۳۶۱: ۳۰؛ اصلاح عربانی، ۱۳۴۵: ۸۷؛ عرب‌زاده، ۱۳۸۳: ۸۹). همچنین، ابودلف در مسیر سفر خود به ماوراءالنهر از قم و ساوه یاد کرده است (ابودلف، ۱۳۴۱: ۳۱؛ ابن فقیه، ۱۳۰۲: ۲۷۰). با ظهور اسلام، قم به شهری با رنگ و بوی شیعی تبدیل شد و به‌واسطه عوامل

مختلفی چون موقعیت جغرافیایی و منابع آبی، به یکی از مراکز مهم علمی و دینی مبدل گردید (قمی، ۱۳۶۱: ۳۰). قم از همان ابتدا به‌عنوان بزرگ‌ترین محفل حدیث‌گرایان شیعی شناخته می‌شد و با تألیف کتب اربعه حدیثی شیعه، سهم مهمی در حفظ و انتقال احادیث مقدس داشت (جباری، ۱۳۸۴: ۲۱۱). قمی‌ها شاید تنها بوم‌شهری بودند که راوی غیرشیعه در آن حضور نداشت و از این‌رو، عمل‌گرایی خاصی را در خصوص اطاعت از حدیث امامان پیشه کرده بودند. آنان عقاید و عناصر نامحرم و غیرشیعی را در دیار خود نمی‌پذیرفتند و تعصب شدیدی نسبت به حفظ اعتقادات شیعی خود بروز می‌دادند. سرزمین قم از دیرباز نقشی برجسته در جنبش‌های سیاسی ایفا کرده است. نمونه‌ای از این نقش، امتناع مردم قم از پذیرش قضات در دوران خلافت مکتفی عباسی است (قمی، ۱۳۶۱: ۱۴). از دیگر نمودهای برجسته این تحركات سیاسی، می‌توان به مخالفت‌ها و قیام‌هایی علیه خلافت عباسی در دوره مأمون اشاره کرد؛ از جمله واقعه شهادت امام رضا (ع) و نیز حمله به کاروان حضرت معصومه (ع) در مسیر قم تا ساوه، که به قتل عام همراهان ایشان انجامید (پاک، ۱۳۸۲: ۳۰، ۳۶، ۳۵).

براساس روایت تاریخ قم، حضرت معصومه (ع) در سال ۲۰۱ هجری از مدینه حرکت کردند، در مسیر خود به شهر ساوه رسیدند، سپس به قم منتقل شدند و پس از هفده روز اقامت در این شهر، درگذشتند (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۳). نکته مهم آن است که با ورود حضرت معصومه (ع) به قم، سیاست مأمون که تا آن زمان گرایش به علویان بود، دگرگون شد؛ چنان‌که این تغییر جهت، در نامه‌ای از سوی مأمون در سال ۲۰۲ هجری بازتاب یافته است (فقیهی، ۱۳۷۸: ۲۷۸؛ نجاشی، ۱۴۱۸: ۹۱).

بی‌توجهی حکومت عباسی به مطالبات به‌حق مردم قم، به‌ویژه در زمینه اخذ خراج، انگیزه و بستری مناسب برای بروز قیام علیه مأمون فراهم ساخت. در این میان، قم به رهبری یحیی بن عمران، وارد صحنه مخالفت با خلافت شد؛ اما این قیام با برتری نظامی مأمون، به شدت سرکوب گردید (قمی، ۱۳۶۱: ۲۳۴). با وجود این سرکوب، گروه‌های مختلفی از سادات در قم ساکن شدند؛ از جمله سادات حسینی، موسوی، عمری، حمزه‌ای و شجری، که هر یک در تثبیت هویت شیعی شهر نقش داشتند.

در پی این تحولات، وضعیت سیاسی به حالت پیشین بازگشت و سرکوب شیعیان، از جمله قتل‌عام علویان و طالبیان، به رویه‌ای پایدار در سیاست دولت عباسی بدل شد. قم در طول تاریخ خود ارتباط نزدیکی با دیگر مراکز تشیع، به‌ویژه شهر ری، داشته است؛ این تعامل در حیات علمی و فرهنگی خاندان‌های برجسته‌ای که در این دو مرکز

سکونت داشتند به‌وضوح مشهود است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۹۵؛ چلونگر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۹). خاندان بابویه که در قم ساکن بودند، از نمونه‌های بارز نقش‌آفرینی در گسترش تشیع و تولید آثار علمی شیعی محسوب می‌شوند (جدید بناب، ۱۴۰۱: ۱۳۷). در روایات منسوب به امام صادق (ع) نیز از قم و ری به‌عنوان دو کانون برجسته تشیع با جایگاهی ممتاز در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی یاد شده است (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۴).

از ابتدای قرن سوم هجری، تشیع در شهر ری متجلی شد. این شهر دارای تمایلات شیعی قوی و جایگاه سیاسی مهمی در آن زمان بود. تراکم جمعیتی قابل‌توجه راویان و عالمان شیعه در ری، به‌ویژه صاحب کتاب نفیس *الکافی* محمدبن یعقوب کلینی، شاهد بر این مدعاست (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۴۴۲). نکته قابل‌تأمل آنکه در *تاریخ قم*، از این شهر شیعی با عنوان «حرم» یاد شده است (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۵). در روایتی از امام صادق (ع) نیز از دوستان ایشان در ری که به قم نزدیک است با عنوان «برادران ما» یاد شده است (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۴؛ افتخارزاده، ۱۳۷۷: ۲۲۰-۲۱۹). جمله «شمشیرهای خراسان و شمشیرهای بغداد در ری به یکدیگر می‌رسند» (قمی، ۱۳۶۱: ۹۶) نیز نشانه‌ای از ساخت‌یابی و خودانگاره هویت شیعی است که نه‌تنها در بعد اعتقادی، بلکه در نظم اجتماعی و نخبگان علمی و فقهی نیز مشهود است. حسن قمی در *تاریخ قم* به معرفی عالمان برجسته و نقش خاندان‌های علمی و فرهنگی در تثبیت هویت شیعی و حمایت از آموزه‌های تشیع می‌پردازد.

۳- میراث فکری مشترک

بر پایه‌ی نظریه‌ی تاجفل و گیدنز، ساختارهایی چون دین، سیاست و اخلاق، موجودیت‌هایی ایستا و از پیش موجود نیستند، بلکه در فرایند تکرار شونده‌ی کنش‌های انسانی، هم محصول و هم زمینه‌ی بازتولید معانی، ارزش‌ها و نهادها در بستر تاریخی‌اند (تاجفل، ۱۹۸۷: ۶۳؛ گیدنز، ۱۳۷۶: ۵۴). در این چهارچوب، تفکر سیاسی شیعه را می‌توان حاصل تعامل مستمر کنشگران شیعی با ساختارهای موجود دانست؛ تعاملی که به بازتولید مفاهیمی چون پیوند دین و سیاست، عدالت‌محوری و اندرزنامه‌نویسی منجر شده است (لوکونین، ۱۳۶۵: ۱۰۶؛ مجتبابی، ۱۳۵۲: ۹۵). نهاد وزارت در این میان، فقط سازمانی اداری نبوده، بلکه نهادی اخلاقی - راهبردی با پشتوانه شریعت تلقی می‌شده که یکی از ارکان بازساخت هویت سیاسی شیعه بوده است. مؤلف *تاریخ قم* با تأکید بر کارگزاری چون فضل‌بن سهل و عبیدالله‌بن یحیی، وزارت را نهادی دینی - اجتماعی معرفی می‌کند که در چهارچوب نظام معنایی شیعه معنا می‌یابد. ایرانیان نیز با مشارکت فعال در بازتولید این ساختار، در تکوین هویت سیاسی - مذهبی تشیع سهمی مهم ایفا

کرده‌اند. از این منظر، تاریخ‌نگاری در تاریخ قم نه بازگویی صرف وقایع، بلکه تلاشی برای تبیین و تثبیت نهادهایی چون وزارت در چهارچوب سنت سیاسی شیعه است.

۳-۱- پیوستگی دین و سیاست

در تفکر سیاسی ایرانیان، همبستگی دین و سیاست وجود دارد. این تفکر بر این باور است که نبود شهریاری به معنای بددینی است و بددینی مایه ناستواری شهریاری به حساب می‌آید (همپتن، ۱۳۸۰: ۲۷؛ غزالی، ۱۳۵۱: ۱۰۶؛ قادری، ۱۳۸۵: ۱۳۴؛ نامه تنسر به گشنسب ۱۳۵۴: ۵۳). در این دیدگاه، دین اساس و پایه شهریاری است و همچنین، دین نگهدار و حافظ ملک به‌شمار می‌آید (مسعودی، ۱۴۲۵: ۱۸۹/۱؛ ثاقب‌فر، ۱۳۷۷: ۲۷۳؛ دینکرد، ۱۳۸۸: ۹۰). در اندیشه سیاسی شیعه امامی، مؤلف تاریخ قم تفاوت میان حکومت الهی و انسانی را مطرح کرده و تأکید می‌کند که حکومت الهی ازلی و ابدی است؛ درحالی‌که حکومت‌های زمینی فناپذیر و موقتی‌اند. قدرت حاکم در صورت تطابق با شریعت و حفظ وحدت جامعه مطلق است (لمبتون، ۱۳۸۵: ۸۲). اگر فرمانی برخلاف شریعت باشد، اطاعت از رهبر جایز نیست.

۳-۲- دادگری و عدالت

دادگری و عدالت از ارکان بنیادین تفکر سیاسی ایرانیان بوده و همواره در اندیشه‌های تاریخی و دینی مورد تأکید قرار گرفته است. در این نگرش، توجه به مردم و رعایت حقوق آنان از مفاهیم کلیدی به‌شمار می‌آید؛ هرچند در ساختار اجتماعی گذشته، رعیت اصلی‌ترین رکن جامعه محسوب می‌شد (مجتبایی، ۱۳۵۲: ۹۵؛ دینکرد، ۱۳۸۸: ۵۴). این نگرش تاریخی به عدالت در آثار کهن دینی و سیاسی بازتاب یافته و نشان‌دهنده پیوند تنگاتنگ میان جامعه آرمانی و اصول داد و دین است؛ به‌گونه‌ای که پژوهشگران آن را همچون پیوند سر و بدن در یک پیکر واحد توصیف می‌کنند (قادری، ۱۳۸۵: ۱۴۲). در اندرزنامه‌های ایرانی، دادگری و عدالت به‌عنوان پایه‌های استحکام جامعه و حکمرانی مطرح شده‌اند؛ چنان‌که مسکویه اصلاح جامعه را وابسته به اصلاح پادشاهان دانسته و عدالت را عامل استواری شهریاری می‌شمارد (مسکویه، ۱۳۵۸: ۱۲). این نگرش در اندیشه مورخان شیعه امامی نیز برجسته است؛ مؤلف تاریخ قم عدالت را بنیان حکومت و حافظ حقوق مظلومان معرفی می‌کند (قمی، ۱۳۶۱: ۲۰۶، ۲۱۸). وی در این چهارچوب، دوران آل‌بویه را نمونه‌ای بارز از تحقق عدالت در حکمرانی می‌داند و فخرالدوله را الگویی از حاکمان عادل معرفی می‌کند که عدالت را در میان مردم و اصناف گوناگون گسترش داده است. مؤلف تاریخ قم این خصایص پسندیده را به آموزه‌های اخلاقی و دینی ائمه

معصومین (ع)، به‌ویژه امام علی (ع)، پیوند می‌دهد و نشان می‌دهد که عدالت در حکمرانی با هویت شیعی ارتباطی عمیق با آموزه‌های دینی و اخلاقی دارد (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸۳، ۸).

نهاد وزارت نیز در فرهنگ سیاسی ایرانی - اسلامی، به‌ویژه در اندیشه سیاسی شیعه امامی، جایگاهی فراتر از ابزار اجرایی داشته و نهادی در خدمت تحقق عدالت اجتماعی، رعایت مصالح عمومی و حفظ منافع مردم محسوب می‌شده است (طوسی، ۱۳۴۷: ۳۵؛ لوکونین، ۱۳۶۵: ۱۰۶). مؤلف تاریخ قم وزرا را همراهان و یاران حاکمان در اصلاح امور، برقراری نظم و حفظ مصالح امت معرفی می‌کند و ضمن ستایش رکن‌الدوله با القاب «قدس‌الله روحه» و «مولانا ادام‌الله نعمائه»، وی را مصلحی دلسوز و کارآمد می‌داند (قمی، ۱۳۶۱: ۹). در تأیید این مطلب، عبدالجلیل قزوینی، از اندیشمندان برجسته امامیه، در بخشی از کتاب النقص به شماری از وزرای شیعی در دربار خلفای عباسی اشاره کرده و پیشینه حضور آنان را تا عصر امامان (ع) و خلافت هارون‌الرشید (۱۹۳-۱۷۰ ق.) بازمی‌گرداند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۳۳). وی از جمله به علی بن یقطين و فضل بن سهل، دو تن از برجسته‌ترین وزرای شیعی آن دوران پرداخته و نقش ایشان را در تحکیم قدرت و حمایت از جامعه شیعی برجسته ساخته است. همچنین، قزوینی به وزرای شیعی در دوره آل‌بویه که در دربار عباسیان حضور داشتند، از جمله صاحب‌بن عباد، ابوالفضل عمید و فرزندش ابوالفتوح (وزیر عضدالدوله بویه‌ای) اشاره می‌کند (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۳۳). افزون بر این، از فضل بن سهل سرخسی، وزیر ایرانی مأمون عباسی نیز یاد می‌کند که به سبب کردانی و وطن‌دوستی، نقش مؤثری در تثبیت عدالت و سامان سیاسی ایفا کرده است. در کنار این موارد، گزارش‌هایی از اصلاحات مالیاتی عبیدالله وزیر در دوران معتضد عباسی، که به کاهش فشار مالی بر مردم انجامید، اهمیت جایگاه عدالت مالی در سیاست‌ورزی اسلامی را آشکار می‌سازد (قمی، ۱۳۶۱: ۱۴۷).

مؤلف تاریخ قم نهاد وزارت را نه تنها در عرصه اجرایی، بلکه در گفتمان علم و اخلاق نیز معنا می‌کند؛ با استناد به آیه «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» عباراتی مانند «اگر تیغ جهانگیر است، قلم جهاندار است» (وصاف، ۱۳۸۵: ۱۴) را یادآور می‌شود و نقش عقلانیت و دانش در حکمرانی عادلانه را برجسته می‌سازد. همچنین، نقد عملکرد مأموران مالیاتی با عبارت «قُمْ يَا صَلْحُ وَ خُذْ قَلَمَكَ وَ ادْخُلِ النَّارَ» (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸۵) که در انتقاد از مأموران مالیاتی آمده، پیوند میان عدالت اقتصادی و مسئولیت اخروی را نشان می‌دهد. نکته مهم آن است که مؤلف تاریخ قم نهاد وزارت را نهادی اخلاق‌مدار و در خدمت مردم می‌داند و با ستایش وزیران تأثیرگذار، ضمن تأکید بر کارآمدی و خرد

ایرانی، نوعی هویت ملی مبتنی بر عدالت اجتماعی را بازنمایی می‌کند؛ هویتی که در پیوند میان دین، دولت و ملت ایرانی - اسلامی تجسم یافته است.

۳-۳- نظام اخلاق سیاسی بر پایه اندرزنامه‌نویسی

اخلاق سیاسی در تمدن اسلامی، با تکیه بر آموزه‌های دینی ائمه (ع)، در قالب‌هایی شبیه به اندرزنامه‌نویسی شکل گرفت. نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، که از نظر ساختار و محتوا به اندرزنامه‌های سیاسی شباهت دارد، با تأکید بر عدالت و رعایت حقوق رعیت، الگویی بنیادین برای حکمرانی عادلانه در سنت اسلامی به‌شمار می‌رود (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳؛ نحل: ۹۰). در همین راستا، احکامی مانند خمس و زکات نیز اهمیت یافتند. خمس، که پس از غزوه بدر تشریح شد، به‌عنوان یک وظیفه عبادی، بخشی از درآمد و غنایم را به امام اختصاص می‌داد. تاریخ قم ابومالک عامر اشعری و خاندان اشعری را از نخستین پرداخت‌کنندگان و ارسال‌کنندگان خمس به ائمه (ع) معرفی می‌کند (قمی، ۱۳۶۱: ۲۷۸، ۲۹۱). اندرزنامه‌نویسی از دوران ساسانیان رواج داشت و به‌عنوان ابزاری برای آموزش شوررداری و انتقال اندیشه‌های سیاسی و اخلاقی ادامه یافت (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۸).

در دوران اسلامی، نویسندگان شیعه امامیه مانند مؤلف تاریخ قم، این اندیشه‌ها را در قالب تاریخ‌نگاری به حاکمان منتقل و از تجربه تاریخی برای تحلیل سیاست بهره می‌بردند؛ بنابراین، ویژگی‌ها و کارکردهای حاکم در اندیشه سیاسی شیعی، به‌ویژه در آثار نویسندگان امامیه مانند مؤلف تاریخ قم، به‌طور برجسته‌ای به جنبه‌های اخلاقی، دینی و مدیریتی مربوط به حاکم اشاره دارند. حاکم در این تفکر باید از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشد که بخشی از این ویژگی‌ها از آموزه‌های اسلامی و شریعت الهام می‌گیرد (رجایی، ۱۳۷۲: ۱۷؛ دوفوشه کور، ۱۳۸۰: ۴۹۱). یکی از ویژگی‌های مهم حاکم در این اندیشه، دوری از تنعم و بهره‌برداری افراطی از لذات دنیوی است؛ به‌گونه‌ای که در سایه حکمرانی او، مصالح جهانی برپا و دین حق به‌طور کامل اجرا می‌شود. این اصول در اندرزهای نویسندگان شیعه از جمله مؤلف تاریخ قم به‌طور واضحی بیان شده است. وی در خصوصیات حاکم اسلامی به سیره حضرت علی (ع) اشاره کرده و تأکید دارد که حاکم باید در ستاندن خراج از مردم با رفعت نظر و مرحمت عمل کند (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸۳)؛ در جای دیگر، در حدیث سوده بنت عماره به شکایت از والی صدقه و مال زکات اشاره می‌کند که امیرالمؤمنین ضمن عزل عامل خراج، در نامه‌ای بعد از ستایش نام خداوند می‌فرماید: «برای شما دلیل روشنی از جانب پروردگار آمده است، پس پیمان‌ه و ترازو را با عدل کامل کنید و در حق مردم ستم نکنید و آن‌ها را از حق خود بی‌نصیب نگذارید اگر مؤمن هستید» (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸۸).

همسو با این امر، مؤلف تاریخ قم درباره‌ی کاردانی صاحب بن عباد، وزیر شیعه‌مذهب آل‌بویه، که به شریعت اسلام معتقد است، می‌نویسد: «احسانی و انعام صاحب بن عباد به اشراف طالبیه، و سادات فاطمیه، در حق ایشان انواع شفقت و تربیت و احسان به اظهار پیوست، تا ایشان مرفه‌الحال و فارغ‌البال، در این طرف مقیم و متوطن شدند» (قمی، ۱۳۶۱: ۵). دین‌داری حاکم و انواع و اشکال شکرگزاری خاص او موضوع دیگری است که به‌عنوان پند عرضه می‌شود؛ وی صاحب بن عباد را الگویی در علوم دینی، در تقوا و پرهیزکاری می‌داند که توانسته بر هر مدبری فائق آید و حسن تدبیر را از جمیع شهوات نفسانی و جسمانی مبرا داشته و همیشه محب خیر و صلح و مرید صواب و ثواب بوده است (قمی، ۱۳۶۱: ۱). صاحب بن عباد از نظر مؤلف تاریخ قم الگویی از دین‌داری، تقوا و حسن تدبیر است که توانسته در تمامی شئون حکمرانی، همچون علم، اخلاق و تدبیر، موفق باشد. مؤلف تاریخ قم همچنین، به اهمیت رسیدگی به حال رعیت و جلوگیری از ضایع شدن حقوق آنان تأکید دارد. در مقدمه کتاب، سجایای اخلاقی صاحب بن عباد به‌طور مفصل بیان شده و این توصیف‌ها نشان‌دهنده ارتباط نزدیک مؤلف با این وزیر و اعتبار اجتماعی اوست (قمی، ۱۳۶۱: ۶). نکته درخور تأمل دیگر، ارتباط مؤلف با ابن العمید از دیگر وزرای اندیشمند آل‌بویه است که از مشوقان قمی در تألیف تاریخ قم به‌شمار می‌رود (قمی، ۱۳۶۱: ۱۱). علاوه‌براین، وقف انواع کتب علمی از سوی صاحب بن عباد برای جویندگان علم، نشان از دغدغه فرهنگی و علمی این وزیر دارد.

این جنبه‌های اخلاقی و علمی تأثیر قابل‌توجهی بر مؤلف تاریخ قم گذاشته، به‌گونه‌ای که برای قدردانی هدیه‌ای بالاتر از تدوین این کتاب مستند نمی‌یابد (قمی، ۱۳۶۱: ۶) و تاریخ قم را به‌عنوان نمادی از نگرش فرهنگی و علمی او به مسائل اجتماعی و حکومتی عرضه می‌کند. در مجموع، ویژگی‌ها و کارکردهای حاکم در تفکر شیعی، به‌ویژه در اثر مؤلف تاریخ قم، به‌وضوح نشان‌دهنده تأثیر آموزه‌های دینی در ساختار حکومتی و هویت شیعی است که در عمل به عدالت، دین‌داری و رسیدگی به حقوق مردم توجه ویژه‌ای دارد. با کنکاش در کتاب تاریخ قم، خواننده با نویسنده‌ای فرهیخته به شعر و ادب، احکام سلطانی و خراج، منابع گسترده جغرافیایی، علم رجال، تبارشناسی و علوم رایج آن زمان مواجه می‌شود که جایگاه علمی مؤلف را نیز به ما خاطر نشان و تأثیر بسزای نویسنده‌گان شیعه را در ساخت‌یابی و هویت شیعی آشکار می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کتاب تاریخ قم اثر حسن قمی، بازتابی غنی از هویت شیعی ایرانیان در دوران آل‌بویه است؛ هویتی که در چهارچوبی سه‌گانه شامل پیوندهای مشترک، سرزمین مشترک و میراث فکری مشترک، توسط مؤلفی امامی‌مذهب صورت‌بندی شده است. تحلیل محتوای این اثر نشان می‌دهد که مؤلف با تمرکز بر قم به‌عنوان کانون تشیع، در پی بازنمایی هویتی دینی، ملی و تاریخی برای جامعه شیعه ایرانی بوده است. براساس مدل نظری تحقیق، تاریخ‌نگاری امامی در این دوره کوشیده است با اتکا بر آموزه‌های شیعی، گفتمان رایج خلافت‌محور را به چالش کشیده و با خلق روایتی بدیل، نسبت دین، سیاست و جامعه را بازتعریف کند. در این میان، عنصر «سرزمین مشترک» بیشترین بسامد را در روایت هویتی دارد؛ درحالی‌که شاخص «میراث فکری»، با وجود بسامد کمتر، نقش معناداری در تبیین مشروعیت سیاسی شیعی ایفا می‌کند؛ امری که ناشی از تمرکز روایت بر جغرافیا و آیین‌های دینی در برابر خلافت عباسی است؛ ازسوی دیگر، قمی با تأکید بر نقش ایرانیان در نهادهای دینی و اداری، هویت شیعی را در امتداد هویت ایرانی بازآفرینی می‌کند و تاریخ قم را به متنی هویت‌ساز بدل می‌سازد که با هدف مشروعیت‌بخشی به آل‌بویه و تثبیت جایگاه قم تألیف شده است.

هویت شیعی در تاریخ قم با هویت ملی ایرانیان گره خورده و نویسنده با برجسته‌سازی نقش ایرانیان در نهادهایی چون وزارت و آموزش دینی، بر ساخت «خودآگاهی تاریخی ملی - مذهبی» تأکید می‌ورزد. این رویکرد هم به تمایز ایرانیان از خلافت عباسی یاری رسانده و هم انسجام درونی جامعه شیعی ایران را تقویت کرده است؛ ازاین‌رو، تاریخ قم را می‌توان سندی معتبر در پیوند میان هویت شیعی و هویت ملی ایرانیان در قرون میانه دانست؛ پیوندی که در تعامل میان سرزمین، اندیشه و تجربه زیسته شکل گرفته و در قالب روایت تاریخی تثبیت شده است.

منابع

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ ق). *الذریعة الی تصانیف الشیعة*. بیروت: دارالاضواء.
- ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبة‌الله (۱۴۰۴ ق). *شرح نهج‌البلاغه*. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی (ره).
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق). *کمال‌الدین و تمام النعمه*. تهران: اسلامیه.
- ابن حوقل، محمد (۱۳۶۶). *سفرنامه ابن حوقل*. ترجمه و توضیح جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵). *اعلاق النفیسه*. ترجمه حسین قرچانلو. تهران: امیرکبیر.



- ابن فقیه، همدانی (۱۳۰۲). *مختصر البلدان*. بیروت: دار صادر.
- ابن طقطقی، محمدبن علی بن طباطبا (۱۹۹۷ م). *تاریخ فخری*. ترجمه محمد وحید گلپایگانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ابو دلف (۱۳۴۱). *سفرنامه ابودلف*. ترجمه طباطبایی. تهران: زوار.
- اخوانی، سعید؛ محمودی، فتنه (۱۳۹۷). «بازخوانی هویت شیعی در آثار هنری عصر صفویه با رویکرد سپهر نشانه‌ای»، *مطالعات ملی*. سال نوزدهم. شماره ۷۴: ۶۰-۴۳.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۷). «هویت ایرانی در دوران بعد از اسلام»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*. شماره ۱۳۰-۱۲۹: ۵۵-۵۰.
- اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۴۵). *راهنمای شهرهای ایران*. تهران: انتشارات سازمان فار.
- اعتمادالسلطنه (۱۳۶۳). *تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید*. تصحیح محدث ارموی. تهران: امیرکبیر.
- افتخارزاده، محمودرضا (۱۳۷۷). *ایران، آیین و فرهنگ*. تهران: رسالت قلم.
- افندی اصفهانی، عبدالله بن عیسی (۱۴۳۱ ق). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*. تحقیق احمد حسینی اشکوری. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳ ق). *اعیان الشیعه*. تحقیق سید حسن امین. بیروت: دار التعارف.
- بیاتی، هادی؛ رجبی، علی اصغر (۱۳۹۶). «جغرافیای تاریخی قم با تکیه بر کتاب تاریخ قم»، *تاریخ‌نامه خوارزمی*. سال پنجم. شماره ۱۸: ۹۶-۷۸.
- بروکلیمان، کارل (۱۹۶۹). *تاریخ الادب العربیه*. نقله الی العربیه عبدالحلیم نجار. قاهره: دارالمعارف بمصر.
- پاک، محمدرضا (۱۳۸۲). «قم در دو قرن نخست هجری»، *نشریه تاریخ اسلام*. شماره ۱۴: ۴۸-۱۷.
- پروانه، فرهاد (۱۳۹۹). «بررسی و مقایسه مؤلفه‌های هویت شیعه در منابع تاریخی دوران آل بویه و فاطمیان مصر»، رساله دکتری رشته تاریخ، دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۴). *دیلمیان در گستره تاریخ ایران (حکومت‌های محلی، آل‌زیار، آل‌بویه)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ثاقب‌فر، مرتضی (۱۳۷۷). *شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران*. تهران: قطره.
- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵). *الغارات*. تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی (محدث). تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- جبباری، محمدرضا (۱۳۸۴). *مکتب حدیثی قم*. قم: زروار.
- جدید بناب، علی (۱۴۰۱). *تاریخ اجتماعی شیعیان امامیه از عصر غیبت صغری تا سقوط بغداد*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۷). *تاریخ خلفا*. قم: الهادی.
- چلونگر، محمدعلی؛ صادقانی، مجید؛ پیرمردیان، مصطفی (۱۳۹۷). *بوم‌شناسی تاریخی جریان‌های فکری اصحاب ائمه*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۲). «هویت ایرانی در تاریخ‌نگاری بیهقی و جوینی»، *مطالعات ملی*. سال چهارم. شماره ۱: ۱۰۰-۶۹.
- دوفوشه کور، شارل هانری (۱۳۸۰). *اخلاقیات - مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا هفتم*. ترجمه محمدعلی امیر معزی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دینکرد (۱۳۸۸). *ترجمه فریدون فضیلت*. تهران: فرهنگ دهخدا.

- ذبیح‌زاده، علی‌نقی (۱۳۸۴). مرجعیت و سیاست در عصر غیبت. قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۲). تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان. تهران: قومس.
- رجبی، محمدحسین (۱۳۶۵). کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین.
- سرمد، زهره و همکاران (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷). الفهرست. بی‌جا: مؤسسه نشر الفقاهه.
- طوسی، خواجه نظام الملک (۱۳۴۷). سیرالملوک (سیاست‌نامه). به اهتمام هیوبرت دارک. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۵). درآمدی بر زوال اندیشه سیاسی. تهران: کویر.
- عرب‌زاده، ابوالفضل (۱۳۸۳). جغرافیای تاریخی قم. قم: نشر زائر.
- غزالی، محمد (۱۳۵۱). نصیحه الملوک. تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- فقیهی، علی‌اصغر (۱۳۷۸). تاریخ مذهب قم. قم: زائر.
- ----- (۱۳۹۳). «تاریخ قم»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- قادری، حاتم (۱۳۸۵). «اندیشه ایرانشهری»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء. سال شانزدهم. شماره ۵۹: ۱۴۸-۱۲۳.
- قزوینی رازی عبدالجلیل (۱۳۵۸). نقض معروف به بعضی مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض. تهران: انجمن آثار ملی.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱). تاریخ قم. مترجم حسن بن عبدالملک قمی. به تصحیح سید جلال‌الدین طهرانی. تهران: توس.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۹). عصر اطلاعات. ترجمه: حسن چاووشیان. تهران: طرح نو.
- کراولسکی دوریتا (۱۳۷۸). «احیای نام ایران در عهد ایلخانان ترجمه علی بهرامیان»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی. نشریه مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه. سال اول. شماره یک.
- کرمر، جوئل (۱۳۷۵). احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه. ترجمه سعید حنایی کاشانی. تهران: نشر دانشگاهی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
- ----- (۱۳۹۲). تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۴). گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی هویت در ایران. تهران: تمدن: ایرانی.
- لمبتون، ان. ک. س. (۱۳۸۰). «شرح و گزارشی از تاریخ قم»، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. ترجمه نصرالله صالحی. شماره‌های ۴۶ و ۴۷: ۶۴-۷۱.
- لمبتون، آن (۱۳۸۵). دولت و حکومت در اسلام. ترجمه مهدی فقیهی. تهران: شفیعی.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریچ (۱۳۶۵). تمدن ایران ساسانی. ترجمه عنایت‌اله رضا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لین‌پول، استانیلی (۱۳۶۳). تاریخ طبقات سلاطین اسلام. ترجمه عباس اقبال. تهران: دنیای کتاب.
- مبلغی، عبدالمجید (۱۳۹۸). سیر تطور هویت یابی شیعیان تا پایان مکتب شیعی بغداد. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- متز، آدام (۱۳۷۵). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: امیرکبیر.



- مجتبیایی، فتح اله (۱۳۵۲). شهر زیبای افلاطون و شاه‌ی آرمانی در ایران باستان. تهران: انتشارات انجمن فرهنگ ایران باستان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی مهر، غلامرضا (۱۳۹۸). روش تحلیل محتوا. تهران: دانش نگار.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۶۴). قم نامه (مجموعه مقالات و متون درباره قم). قم: کتابخانه نجفی.
- مسکویه، ابوعلی (۱۳۵۸). الحکمة الخالدة. تحقیق و مقدمه عبدالرحمن بدوی. تهران: دانشگاه تهران.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۵ هـ / ۲۰۰۵ م). مروج الذهب. بیروت: مکتبه العصریه.
- مشهدی، محمد (۱۳۸۴). «جغرافیای تاریخی منطقه کاشان در تاریخ قم»، مجله تخصصی مرکز کاشان شناسی. دانشگاه کاشان، شماره اول: ۸۸-۱۰۰.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۴۱۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. القاهرة: مکتبه مدبولی.
- معروفی، یحیی، یوسف زاده، محمدرضا (۱۳۸۸). تحلیل محتوا در علوم انسانی. همدان: سپهر دانش.
- نامه تنسر به گشنسب (۱۳۵۴). تصحیح مجتبی مینوی. تهران: خوارزمی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ ق). فهرست أسماء مصنّفی الشیعه (الرجال). بی‌جا: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نجاشی (۱۴۱۸ ق). رجال نجاشی. قم: النشر الاسلامیه.
- وصاف، عبدالله بن فضل الله (۱۳۸۵). رساله مناظره شمشیر و قلم. به تصحیح و مقدمه نصرالله پورجوادی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- همپتن، جین (۱۳۸۰). فلسفه سیاسی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۹۶۰). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.
- Tajfel, H. (1978). *Differentiation Between Social Groups*. London: Academic.
- Turner, John and Oakes, Penelope (1986). "The significance of the social identity concept for social psychology with reference to individualism, interactionism and social influence". *British Journal of Social Psychology*. 25 (3): 237-252.
- Weinreich, P and Saunderson, W. (Eds) (2003) *Analysing Identity: Cross-Cultural, Societal and Clinical Contexts*. London: Routledge.